

## معرفی دستنویسهای آثار عید زاکانی

(۲)

### ۶ - دستنویس کلیات عید در کتابخانه حمیدیه (ح)

شادروان مینوی در همان مقاله مجلهٔ یغما این نسخه را چنین معرفی می‌کند:

کلیات عید در حمیدیه به شمارهٔ ۱۱۸۱ که مشتمل است بر: ترکیب بند و ترجیع و قصاید (بدون رعایت ترتیب الفبایی به اعتبار قوافی)؛ و مقطعات و غزلیات (آن هم بدون ترتیب هجایی قوافی) و رباعیات (همچنین)؛ سپس ترجیع هزل و مثنویات هزل و تضمینات هزل و قطعات و فهلویهای هزل (کذا - و فهلویها هزل نیست) و عشاق نامه و دلگشا و اخلاق الاشراف و صدپند نامه و ریش نامه و تعریفات. کتابت محمد بن رسول المشهور بشارایی (?) در محرم ۸۹۸ دارای ۲۲۷ ورق به نستعلیق و نسخ.

بر روی الف نخستین برگ، در زیر ترجمی که عنوان کتاب در آن نوشته شده (و در نسخه فتوکپی بنده خوانا نیست) و قفنامه‌ای آمده که چند کلمه از آن خوانده نمی‌شود: وقف السلطان الادیب منشی مجموعة المحامد والحسنات السلطان ابن السلطان السلطان عبدالحمید خان بن السلطان احمد خان لازال دیوان عدله و شوکته منتظم الصحائف و السطور و انا الداعی لدولته السيد علی بن (چند کلمه محوشده) الشریفین غفرله.

در سرلوح آغاز دیوان به خط نسخ زیبا نوشته شده: الله ولی التوفیق. باقی سرلوحهای دیوان نیز به خط نسخ نوشته شده است. متن به خط نستعلیق نسبتاً زیباست و با دقت در آن مشاهده می‌شود که کاتب فارسی زبان نبوده اما به زبان فارسی بیش از

چند روی ترش و اعتدال ناکسین پنجم بام زربرف این زال انسا ز خون	چند بر قول پر اکنده او کوشش کنیم تا یکی خفته گا و پسین سیاوشش کنیم
لله الحمد که خار و زغ و بیابان بر زمین عیند کردیم و زجر در مفسان جان بر زمین	
دل جان ما از ان باد و بشما خردین چه غداست هم روز و ده ان در سن رشت ریمت قشتر شب با عامر مدعی روزم اگر بوی زمین شنید دوست باد و یک ما سر زمین خوش ریشان رفت کسوف باد ازین سن	در فردا درین تر سپیدین و شمان خردین چه بلایست شب شربت با و انور متموج کشتن و بالوده و سبک خوردین شب سیا سوده ای از باد و خزان خردین که نشایستی با مردم تر سپان خردین باد و بار که خواجه و الا خردین
صاحب شیف و قلم پشت و پناها هم راه رکن دین خواجه باد و خزان خردین	
خسرو شمس که این طلاق معلا کرده اند	استغفار این پناها میست کرده اند

عربی آشنایی داشته و از این روی خطاهای فاحش در کتابت آن مشاهده نمی‌شود. در بسیار موارد واو عطف از میان کلمات افتاده و نقطه‌گذاری روی کلمات بی‌وجه صورت گرفته و نشان می‌دهد که کاتب معنی بعضی کلمات را نمی‌دانسته است.

با این حال نسخه‌ایست مضبوط و نسبتاً قدیمی که در اواخر قرن نهم نوشته شده و اندکی بیش از یک قرن با دوران زندگی عید فاصله دارد. ضبط کلمات و شعرها نیز با نسخه‌های «پ» و «د» و به‌ویژه «م» نزدیک است. چنان که مثلاً ترتیب درج آغاز مقطعات (از برگ ۴۷ الف تا ۵۴ الف) عیناً با نسخه «م» یکی‌ست. از آن پس «م» چند برگ اضافه دارد و باز ترتیب قرار گرفتن مطالب با یکدیگر مطابقت می‌کند گرچه «م» قدری مفصل‌تر است. ترتیب قرار گرفتن غزلها نیز در بسیاری موارد بر یکدیگر منطبق است و گاه چند غزل در هر دو نسخه از پی یکدیگر می‌آیند.

بر اثر اختلافهایی که میان «م» و «ح» وجود دارد نمی‌توان آن دو را گرفته شده از یک اصل دانست با این حال همانندیهای بسیار چه در ضبط کلمات و چه در توالی غزلها و مطالب میان این دستنویس و نسخه‌هایی که پیش از این نام بردیم می‌توان یافت.

#### ۷ - دستنویس کتابخانه ملی وینه - اتریش (ش)

این نسخه به نشان N.F.117 در کتابخانه ملی وینه محفوظ است و در ذیل شماره ۵۶۷ در فهرست دست‌نویسهای این کتابخانه تألیف فلوگل (Flugel) معرفی شده است. قطع نسخه ۱۶x۱۰ و قطع بخش نوشته آن ۱۲ x ۸ سانتیمتر است. ۱۵۶ برگ دارد و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده و مندرجات آن بدین شرح است:

ترکیب بند آغاز دیوان (۱ ب - ۲ب)؛ ترجیع بند (۲ب - ۴ب)؛ قصیده‌ها و ترکیب بند (۴ب - ۱۴ب)، قطعات (۱۴ب - ۲۰ب)؛ غزلها (بی‌داشتن عنوان) (۲۰ب - ۴۷ب)؛ رباعیات جدی (۴۷ب - ۵۰ب). ترتیب قرار گرفتن این رباعیها تا پیش از آخرین صفحه درست با دستنویس «م» مطابق است و فقط در آخرین صفحه با یکدیگر تفاوت دارد یعنی بعضی رباعیها در این یک هست و در آن یک نیست و بالعکس؛ ترجیع هزل (۵۰ب - ۵۲ب)؛ مثنویهای کوتاه هزل (۵۱ب - ۵۳ب)؛ تضمینها، رباعیها و قطعه‌های هزل - متن و حاشیه (۵۳ب - ۶۳ب)؛ عشاق‌نامه (۶۴ الف - ۸۶ الف)؛ اخلاق الاشراف (۸۶ ب - ۱۰۲ الف)؛ نوادر الامثال (ناقص) (۱۰۲ الف - ۱۶۶ب)؛ رساله دلگشا - حکایتهای عربی و فارسی (۱۱۷ - ۱۴۶ الف)؛ رساله ریش (۱۴۶ب - ۱۵۲ الف)؛ تعریفات (۱۵۲ب - ۱۵۵) - در پایان نسخه که پایان برگ ۱۵۵ب نیز هست چنین آمده:

اگر شربتی بایدت سودمند - زداعی طلب داروی هوشمند / به پرویزن  
 معرفت بیخته - به شهد عبارت برآمیخته / ای عزیزان عمر عزیز است  
 غنیمت شمیرید. وقت خویش را از دست مدهید. پادشاهی و غنیمت در  
 تندرستی و ایمنی دانید. حاضر وقت باشید که عمر دوباره نخواهد بود. هر دم  
 که در خوشدلی و آسایشی گذرد.

این دستنویس لااقل چهار مالک ترک‌زبان داشته که هر یک نام خود را در نخستین  
 صفحه کتاب نوشته‌اند. نام کاتب یاد نشده اما فارسی نمی‌دانسته و گویا نسخه در آسیای  
 صغیر کتابت شده است.

فقط قسمینها و رباعیها و قطعه‌های هزل متن و حاشیه است و حاشیه در بیشتر موارد  
 به خطی ست غیر از خط متن. ظاهراً مطالب حاشیه را در نسخه‌ای دیگر یافته و بدین  
 نسخه افزوده‌اند. به همین سبب گاهی قطعه‌ای در متن بوده و در حاشیه تکرار شده یا دو  
 بار در حاشیه آمده است.

جای‌جای توضیح و تفسیر عبارات و معنی لغات در حاشیه یا در میان سطور به ترکی  
 استانبولی نوشته شده است. تمام صفحات نسخه دارای جدولی ساده است و هر قطعه با  
 سفید گذاشتن یک سطر و کشیدن خطی در پایان قطعه نخست و خط دیگر در آغاز قطعه  
 دوم از یکدیگر جدا شده. خط نسخه بیشتر متماثل به نستعلیق است و به روش نگارش  
 کاتبان آسیای صغیر می‌ماند. نویسنده این سطور اصل نسخه را ندیده و نسخه‌ای عکسی  
 از آن در اختیار دارد که میکروفیلم آن به لطف دوست عزیز فرهنگ‌دوست و وطن‌خواه  
 آقای جمشید پیمان به دست بنده رسیده است و سپاسگزاری از ایشان را فرض ذمه خود  
 می‌دانم. صفحه اول (برگ ۱ الف) در اصل سفید بوده، سپس یکی از مالکان نسخه نام  
 خود را بدین شرح در آن نوشته است: استصحبه العبد المذنب محمد صادق حمکی (بی  
 نقطه) آغازاده غفرلها. در همین صفحه به خطی زشت نام بعضی از بخشهای کتاب نوشته  
 شده است: ۱- دیوان؛ ۲- عشاق نامه؛ ۳- اخلاق؛ ۴- نوادر امثال؛ ۵- فضائل نطق؛ ۶- رساله  
 دلگشا؛ ۷- رساله ریش؛ ۸- رساله ده فصل.

این نسخه از نظر صحت و دقت فرود مرتبه دستنویسهای پیشین است و گاهی  
 خطاهای فاحش که زاده ناآشنایی کاتب با زبان فارسی است در آن دیده می‌شود. با این  
 حال ۴ غزل و ۲ رباعی فقط در این نسخه آمده و در دیگر دستنویسها نیست. مراجعه بدان  
 نیز در تصحیح متن سودمند بوده است خاصه آن که از دستنویسهایی که در اختیار بنده  
 است نوادر الامثال به صورتی ناقص تنها در این نسخه و یک نسخه دیگر (که شرح آن

شم  
بن  
در  
ردم  
تین  
پای  
وارد  
نین  
ادو  
یکی  
با  
نقطه  
رش  
سی  
خواه  
خود  
نام  
(بی  
وشنه  
رساله  
گاهی  
این  
بدان  
بنده  
ح آن

بس که خدای تعالی او را مغفور و غضب خود کرد اینده باشد تو خواهی که  
بر و رحمت کنی و او را عزیز کردانی آن رحمت تو بعباسان نزدیکتر باشد  
و بدان آنم گردی و روز قیامت ترا بد آن موافقت کنند و این مثل  
همچنان باشد که شخصی منزه از آن خود از نزد و یگانگی او را نوازد و بوسه  
دهد و گوید که خدای عزیز می کند که ترا می زند ترا غفلت و نعمت می باید  
داد البته خداوند او ازین کس بر بخندد و بد و چشم گیرد در زمان مبارک  
رسول علیه السلام کفار را می گفتند که در ویشان را طعام و مید ایشان  
می گفتند که در ویشان بندهگان خدا اند اگر خدا خواستی ایشان را طعام  
دادی چون او نمی دهد پس ما بدیم چنانکه در قرآن مجید آمده است  
انظروا من لولیات الله اطعمه ان انتم الا انی ضلال مبین پس واجب آن باشد که  
بر هیچ آورنده زحمت نکنند و بحال هیچ مظلومی و مجرومی و محتاجی و غریبی  
و محسوس و در مانده و یتیمی و عیالی آری و در ویشی و خسته و مبتلای و گرفتاری  
و مستحق و خدمتکاری که بر در خانه پیر و مکر رشده باشد التفات  
نمایند بلکه حسبه الله تعالی را بدان قدر که توانند از یتیمی بدو رسانند تا مگر  
رفع درجات باشد و روز قیامت در وقت لابنغ مال و لابنون و کسب  
اوست و البته این در صد کتاب بایر از زمان و عده رفته بود امید  
است که چون مبندی برین اصلاق مختار اکابر موافقت نماید و

تفسیر از کس

سوره بقره

معیلی

بیرا آن ص

خواهد آمد) وجود دارد و باوجود این دو نسخه، رساله مذکور هنوز ناقص است مگر آن که نسخه‌ای کامل از آن به دست آید.

### ۸ - دستنویس موزه بریتانیا OR 6303 (ب ۲)

شادروان مینوی درباره این نسخه نوشته است:

«... دوپست ورق است و کامل است اما بسیار تازه است (۱۲۵۳ هجری)

باوجود این موش و گربه را ندارد.»<sup>۲</sup>

نسخه در ترکیه نوشته شده و دوسه مالک آن که نامشان در پشت برگ اول دیده می‌شود همه از اولیای دولت عثمانی هستند. اولی نوشته است: «استصحابه الفقیرالسید محمد صالح... بعد کسی به ترکی چیزی نوشته و سومی که نامش را پاک کرده‌اند نوشته است: ثم تملکه الفقیر الی الله تعالی عز شأنه عفی عنه طالب افندی رئیس مجلس محروسه شام شریقه سابق غفرله. خط نستعلیق، دارای جدول کشی با مرکب سرخ و صفحه اول طلااندازی. عناوین همه با مرکب سرخ. با آن که نسخه اندکی بیش از ۱۶۰ سال پیش کتابت شده و به نسبت چیزی از عمر آن نمی‌گذرد و با آن که کاتب آن ترک زبان بوده و به احتمال قوی کتابت نسخه را در آنقره (آنکارا) به پایان آورده و با زبان فارسی آشنایی چندانی نداشته و در بسیار جاها در مانده<sup>۳</sup> و از هر وی سرمشق خود نقاشی کرده است، باز این نسخه از دستنویسهای خوب و کامل است و در مقابله متن از آن استفاده فراوان شده. نیز چهار غزل و یک رباعی هزل فقط در این نسخه آمده و در دستنویسهای دیگر نیست. اصل نسخه ۱۱/۵ X ۱۹ سانتیمتر و جدولهایی که مطالب در آن نوشته شده ۱۳ X ۷/۵ سانتیمتر است و در هر صفحه ۱۵ سطر نوشته شده و هر قطعه شعر از قطعه دیگر با یک سطر فاصله و دو خط در زیر آخرین بیت قطعه نخست و بالای نخستین بیت قطعه دوم از یکدیگر جدا شده است. در این سطر سفید بیشتر نوشته شده است «وله» و گاهی «وله ایضاً» و در مواردی نادر نام ممدوح و نوع شعر یاد شده است مانند: «فی ترجیع در مدح شیخ ابواسحق» (الف ۶) یا «فی مدح (سلطان) الآفاق شیخ ابواسحق» (الف ۱۹) و «فی مدح سلطان الاعظم شیخ ابواسحق» (همان صفحه) و غیره.

مطالب مندرج در دستنویس بدین شرح است: ۱- ترکیب بند آغاز (ب ۲ - الف ۴)؛  
۲- یک ترجیع و دو ترکیب بند دیگر (الف ۴ - ب ۸)؛ ۳- قصیده‌ها بی‌ذکر عنوان (الف - ب ۴۰)؛ ۴- المقطعات (ب ۴۰ - الف ۵۱)؛ ۵- الغزلیات (ب ۵۱ - الف ۷۵)؛ ۶- فی الرباعیات (الف ۷۶ - الف ۷۹)؛ ۷- ترجیع هزل (الف ۷۹ - الف ۸۱)؛ ۸- مثنویها و

تضمینات و رباعیات هزل (۸۱ الف - ۹۳ ب)؛ ۹ - در پهلویه (۹۳ ب - ۹۴ الف)؛ ۱۰ - عشاق نامه (۹۴ ب - ۱۱۹ ب)؛ ۱۱ - رساله دلگشا (۱۲۰ ب - ۱۶۲ ب) در این رساله حکایتهای عربی (۱۲۱ الف - ۱۲۷ الف) و حکایتهای فارسی (۱۲۷ الف - ۱۶۲ ب) آمده و برطبق معمول تمام دستنویسهای این رساله مکتوب قلندران نیز در میان رساله (۱۴۷ ب - ۱۴۸ ب) درج شده است؛ ۱۲ - اخلاق الاشراف (۱۶۳ ب - ۱۸۳ ب)؛ رساله صد پندنامه (۱۸۴ ب - ۱۸۸ الف)؛ ۱۴ - ریش نامه (۱۸۸ ب - ۱۹۶ الف)؛ ۱۵ - رساله تعریفات (۱۹۶ ب - ۲۰۰ ب).

کاتب در پایان نسخه خود را چنین معرفی کرده است: لقد فرغ من کتابه هذا الكتاب الکلیات عید زاکانی بعون الله اللطیف سبحانی عن ید العبد الضعیف النحیف المحتاج الی رحمة ربّه اللطیف علی بن عثمان انقروی عفی عنهما فی وقت الظهر مع الاذان یوم الاحد من اواخر الصفر سنة ثلاث و خمسين و مائین و الف ۱۲۵۳.

نسخه دارای سه سر لوح بی ارزش است در آغاز بخشهای عشاق نامه و رساله دلگشا و اخلاق الاشراف، رساله های صد پند و ریش نامه و تعریفات سر لوح ندارد و در آغاز کتاب سرلوحی کم ارزش و ساده آمده است.

کاتب به فارسی کم آشنایی داشته اما گویا هیچ عربی نمی دانسته، و از همین روی در حکایتهای عربی رساله دلگشا خطاهای فاحش دیده می شود که اگر نسخه های دیگر مدد نمی کرد استفاده از آن ممکن نبود.

عنوان مطالب دست نویس نیز همان طور که در نسخه آمده بود در این گفتار نقل شده و بر همین قیاس است عبارت عربی رقم پایان کتاب.

#### ۹ - دستنویس هوزه بریتانیا به نشان OR 2947 (ب ۳)

این نسخه به خط نسخ به دست کاتبی که تقریباً هیچ آشنایی با زبانهای عربی و فارسی نداشته نگارش یافته است. ۱۴۶ برگ دارد و یک برگ از پایان افتاده است. از آغاز آن نیز قسمتی قابل ملاحظه از بخش قصیده ها ساقط شده و به طبع ترکیب بند آغازین را نیز ندارد. نسخه ۲۱x۱۲/۶ و بخش نوشته آن ۱۴x۷/۵ سانتیمتر است و هر صفحه ۱۶ سطر دارد و مطالب آن بدین شرح است:

- ۱- قصیده ها و ترکیب بند در مدح خواجه رکن الدین (۱ الف - ۱۷ الف)؛ ۲ - مقطعات (۱۷ الف - ۲۵ ب)؛ ۳ - غزلیات، بی داشتن عنوان (۲۵ ب - ۳۱ ب)؛ ۴ - رباعیات (۳۲ الف - ۳۶ ب) در پایان رباعیات نوشته شده است: تمت الرباعیات و

الحمد لله رب العالمین، سنه ۷۱۹ که گمان می‌رود باید آن را از راست خواند (چه در جای دیگر همین کاتب سنه ۹۵۱ را یاد کرده است که کمتر نادرست به نظر می‌رسد و به هر صورت می‌توان عددی را که در پایان رباعیات آمده زاده یسوادى کاتب دانست!) در پایان رباعیات دو دوینبی پهلوی نیز با تحریف و تصحیف فراوان و بی آن که کاتب آن را از رباعی فارسی تمیز دهد نوشته شده است؛ ۵- ترجیع (۳۵ب - ۳۷ب)؛ ترجیع هزل (۳۷ب - ۳۹ب)؛ مثنویهای تضمین هزل (۴۰ب - ۴۲الف)؛ قطعات تضمین شده و رباعیهای هزل (۴۲الف - ۴۷ب)؛ ۷- عشاق نامه بی ذکر عنوان (۴۸الف - ۶۹ب) در حاشیه ۴۸ب، ۴۹الف و اندکی از حاشیه ۴۹ب پیتهایی از مثنوی و غزل به خط شکسته زیبا به دست کاتبی غیر از نویسنده متن آمده است که مربوط به آثار عبید نیست؛ ۸- نوادر الامثال (۶۹ب - ۸۵الف) نسخه‌ای کامل از این رساله است اما از بسیاری غلط تقریباً به هیچ درد نمی‌خورد و جز با حدس و تخمین و رمل و اسطرلاب نمی‌توان از آن چیزی فهمید؛ ۹- ده فصل (۸۵الف - ۸۹الف)؛ ۱۰- اخلاق الاشراف (۸۹ب - ۱۰۶الف)؛ ۱۱- رساله دلگشا (۱۰۶ب - ۱۴۰ب) در این رساله حکایت‌های عربی در ۱۰۷الف - ۱۱۲الف و رساله مکتوب قلندران نامه از انشاء شیخ شهاب الدین قلندر در ۱۲۷ب - ۱۲۸ب آمده است؛ ۱۲- رساله ریش (۱۴۰ب - ۱۴۶ب) که در حدود یک صفحه از پایان آن ناقص است.

کاتب در میان نسخه برگزیده‌های ۳۹ب - ۴۰ب پیت‌هایی از یک مثنوی در بحر متقارب آورده است که در هیچ نسخه دیگر نظیر آن دیده نمی‌شود و پیتها بی هیچ تردیدی از عبید نیست و بعضی ابیات آن از هجونا‌مه سلطان محمود منسوب به فردوسی گرفته شده است. برای آن که چیزی از معرفی نسخه‌ها فروگذار نشود این مثنوی را با وجود غلطها و تحریفهای فراوان در این جا نقل می‌کنیم و می‌کوشیم در حد مقدور خطاهای آن را اصلاح کنیم:

جهان پهلوان رستم زورمند	که بر چرخ گردان فکندی کمند
سیاوش همان [گرز] دار هژیر	که گفتش برو هی جوانی پیر (؟)
فرامرز و بهمن گو شیرگیر	چو دارا و اسکندر شیرگیر
چو جاماسب کاندلر شمار سپهر	فروزنده تر بد ز گردنده مهر
چو گودرز و هفتاد پور گزین	سواران میدان و مردان کین
کجا آن دلیران خنجر گذار	کجا آن سواران در کارزار
کجا آن که در کوه بودش مقام	بریده از آزار و از آز کام



همه خاک دارند بالین و خشت  
 تو زی ای شهنشاه و بیدار باش  
 که عمرت به پنجست و جاوید هست  
 سپهر بلندش به پای آورید  
 همی تا به گیتی دری داد کن  
 ز روز گذر کردن اندیشه کن  
 بترس از خدا و میازار کس  
 همه پهلوانان و گردنکشان  
 همه مرده از روزگار دراز  
 بسی رنج بردم در این سال سی  
 به سی سال بردم به شهنامه رنج  
 به پاداش من گنج را در گشاد  
 فقاعی بیرزید آن گنج شاه  
 شهی کاو پدر بر پدر شه نبود  
 اگر شاه را شاه بودی پدر  
 چو اندر تبارش بزرگی نبود  
 ز بداصل چشم بسی داشتند  
 ز ناپاک زاده مدارید امید  
 درختی که تلخ است او را سرشت  
 و در از جوی خلدش به هنگام آب  
 سرانجام گوهر به کار آورد  
 سر ناکسان را برافراشتند  
 سر رشته خویش گم کردن است  
 به نیکی بیاید تن آراستن  
 چو پروردگارش چنین آفرید  
 همه رفتنی است و گیتی سپنج  
 ندانم به دوزخ درند یا بهشت  
 به نیک و به بد بر سزاوار باش  
 فری برتر از فر جمشید هست  
 جهان را جز او کدخدای آورید  
 شهان بین و از خوشتن یاد کن  
 پرستیدن دادگر پیشه کن  
 ره رستگاری همین است و بس  
 که دادم در این قصه زیشان نشان  
 شد از گفت من نامشان زنده باز  
 عجم زنده کردم بدین پسارسی  
 که شاهم ببخشد چنین تاج و گنج  
 مرا جز بهای فقاعی نداد  
 از آن را فقاعی خریدم به راه  
 به شهنامه او را نشاید ستود  
 به سر بر نهادی مرا تاج زر  
 نیلوست نام بزرگان نشود  
 بود خاک در دیده انباشتن  
 که هندو به شستن نگرده سفید  
 گرش در نشانی به باغ بهشت  
 همه نوشدارو دهی شهد ناب  
 همان میوه تلخ بار آورد  
 وز ایشان امید بسی داشتن  
 به جیب اندرون مار پروردن است  
 که نیکی نشاید ز کس خواستن  
 تو بر خلق بزبان نیابی مزید  
 چرا باید این درد و اندوه و رنج؟

با آن که استفاده از این نسخه مستلزم دردرس فراوان و سرانجام خطا و لغزش بسیار است نوادر الامثال به طور کامل در این نسخه و بخشی از آن در نسخه (ش) آمده است که آن نیز اگرچه از این نسخه بهتر است اما باز خطای بسیار دارد و برای تصحیح این

رساله هیچ راهی جز توسل بدین دو نسخه نبود مگر آن که در آینده به خواست پروردگار نسخه‌ای پاکیزه‌تر از آن به دست افتد.

با تمام آنچه در رد این نسخه و بر شمردن نقصهای آن گفتیم باز سه قطعه و یک رباعی هزل تنها در این نسخه آمده است.

#### ۱۰ - دستنویس موزه بریتانیا به نشان OR 5738 (ب ۴)

شادروان مینوی درباره این نسخه نوشته است:

... در حدود هزار هجری و بعدتر تحریر شده است و شامل این رسایل

است: هزلیات، ده فصل، کنزاللطایف، فال نامه، اخلاق الاشراف، نصیحت

نامه، واردات النصایح، عشاق نامه، دیوان و رباعیات نیز در آن بوده است

ولی بالفعل نیست و ۱۱۱ ورق است.<sup>۲</sup>

در این عنوانها نامهای تازه به چشم می‌خورد: هزلیات، کنزاللطایف، نصیحت نامه،

واردات النصایح، اما در واقع جز یک رساله تازه در آن نیست و آن کنزاللطایف است که

از آن گفنگو خواهد شد.

هزلیات نامی است که کاتب برای حکایت‌های فارسی رساله دلگشا برگزیده و آن را با

حذف مقدمه فارسی و حکایت‌های عربی زیر این عنوان نوشته است. نصیحت نامه نیز نامی

دیگر است از رساله ریش و واردات النصایح چیزی جز صدپند نیست. اکنون نمی‌دانیم

که این عنوانهای ثانوی نیز برای رساله‌های عید شهرتی داشته یا کسی این نامها را

بدین رساله‌ها داده است.

در هر حال قطع نسخه ۲۰X۱۲ و بخش نوشته آن ۱۳ X ۶ سانتیمتر است و با خط

نستعلیق ریز نوشته شده و کرم کتاب نیز نسخه را صدمه بسیار زده و مندرجات آن بدین

شرح است:

۱- حکایت‌های فارسی رساله دلگشا زیر عنوان هزلیات (اب - ۲۴ الف) در این نسخه

مکتوب قلندران نیز که معمولاً در میان رساله می‌آمد وجود ندارد؛ ۲- ده فصل (۲۴ الف -

۲۷ ب)؛ ۳- کنزاللطایف (۲۷ ب - ۴۷ الف)؛ ۴- فال نامه وحوش (۴۷ ب - ۵۰ الف)؛ ۵-

اخلاق الاشراف (۵۱ الف - ۷۲ الف)؛ ۶- نصیحت نامه که همان ریش نامه است (۷۲ ب

- ۸۰ الف)؛ ۷- واردات النصایح، همان صدپند (۸۰ ب - ۸۴ ب)؛ ۸- عشاق نامه (۸۵

الف - ۱۱۱ الف).

این دستنویس پر غلط‌ترین و بی ارزش‌ترین نسخه‌ای است که در اختیار بنده است.

منتهی یک رساله (کنز اللطایف) فقط در این نسخه آمده و هیچ چاره‌ای نبوده است جز آن که از میان تحریفات و غلط‌خوانیهای کاتبی که تقریباً فارسی نمی‌داند با خوردن خون دل و سوختن زیت فکرت چیزی بیرون بیاوریم تا شاید روزی نسخه‌ای بهتر از این رساله به دست افتد.

فال‌نامه و حوش نیز از روی این نسخه استنساخ شده بود، اما چون فال‌نامه‌های نسخه آقای دکتر مهدوی از تهران به دست افتاد، صورت این نسخه که ناقص‌تر نیز هست اهمیت درجه دوم یافت و جز در معدودی موارد از آن استفاده نشد. به باقی بخشهای این نسخه نیز چون نسخه‌های مضبوط و مورد اعتماد در دست بود جز در موارد نادر مراجعه نشد و از آن مراجعات نیز چیزی به دست نیامد.

#### ۱۱- منتخب آثار عبید زاکانی مورخ ۸۶۸ هجری قمری (الف)

آقای ایرج افشار در فرهنگ ایران زمین (جلد هجدهم) نوشته‌اند:

مرحوم اسماعیل امیرخیزی مجموعه‌ای خطی حاوی اجزائی از آثار شعری و نثری عبید زاکانی و قصه امیر احمد مورخ به سال ۸۶۸ هجری در اختیار داشت که خود اجمالی در معرفی آن در مجله آینده سال دوم (۱۳۰۶) صفحات ۴۶۲ به بعد نوشت. اینک آن نسخه نفیس در کتابخانه مجلس سنا (مجلس شورای اسلامی فعلی) محفوظ است.

چون نسخه قدیم آثار عبید زاکانی کم و آنچه از او در نسخه کهن مرحوم امیرخیزی موجود است برای محققان معتمن خواهد بود لذا به چاپ آن نسخه مبادرت می‌ورزد. اگرچه بسیاری موارد غلط در آن موجود است تصرفی در آن نشد تا عین متن نسخه در دست باشد.

با این که نسخه در فرهنگ ایران زمین به چاپ رسیده شرح اجمالی آن ضرری ندارد. این نسخه با یک بندونیم ناقص از ترکیب‌بند آغازین شروع می‌شود. سپس بخشی قابل (ص ۲ تا ۲۴) منتخب عشاق نامه است پس از آن ده فصل (۲۶-۴۸)؛ منتخبی از رساله دلگشا بی یاد کردن حکایت‌های عربی که ناشر بعضی حکایت‌های آن را نیز به علت رکاکت حذف اما بدان تصریح کرده است (۴۹-۶۰)؛ کتاب صد بند (۶۱-۶۸) و ریش نامه (۶۹-۸۵). دو صفحه آخر کتاب تصویر کتاب تصویر دستنویس و رقم پایانی آن است تا نمونه‌ای به نظر خواننده رسیده باشد.

از غزلها و قصیده‌ها و آثار منظوم هزل در این مجموعه خبری نیست. رساله دلگشا نیز

از آن ناقص‌تر است که به کاری آید. اما ده فصل و صد پند و ورش‌نامه آن با نسخه‌های دیگر مقابله شد.

### ۱۲ - نسخه چاپی (ج)

در حقیقت کلیات آثار عید علی‌رغم موارد عذیده‌ای که به چاپ رسیده یک چاپ پیش ندارد. بخش جدی آن، یعنی دیوان قصیده‌ها و ترجیع و ترکیب بندها و غزلها و قطعه‌ها و رباعیها و مثنویهای جدی آن (تا آن جا که نسخه حکایت می‌کند) از روی دستنویسی محفوظ در کتابخانه مجله ارمغان و متعلق به شادروان وحید دستگردی استنسخ شده است.

مشخصات این نسخه نه در مقدمه دیوان به دست داده شده و نه جاهای دیگر و از این روی بر خواننده ناشناس است. اما با مقابله آن با دیگر نسخه‌ها معلوم می‌شود که چندان صحت و اعتباری ندارد و از جمله ترکیب بند آغازین در حمد خدا و نعت رسول اکرم (ص) و خلفای راشدین را فاقد است و حال آن که در مقدمه دیوان به ناقص بودن نسخه (از آغاز) نیز اشارتی نرفته تا چنین فرض کنیم که در آن وجود داشته و بسقط شده است. در پشت جلد این چاپ نوشته شده است: کلیات عید زاکانی، با مقدمه استاد فقید عباس اقبال. اما در درون کتاب، علاوه بر ذکر عنوان و شرح اجزاء کتاب آمده است: «با تصحیح و مقدمه عباس اقبالی آشنیانی استاد دانشگاه (از روی نسخه مجله ارمغان)»

اما در مقدمه هیچ گنگویی از «نسخه مجله ارمغان» در میان نیست و حتی در یادداشتی که مدیر مجله ارمغان در آغاز کتاب نوشته از نسخه مجله و نیز از تصحیح مرحوم عباس اقبال سخنی نگفته است:

اینک با انتشار کلیات آثار عید که شامل دیوان اشعار فوق‌الذکر می‌باشد، جویندگان آثار این گونه و نویسنده دانشمند از زحمت و رنج و جستجو

برای پیدایش آنها فارغ‌البال و آسوده‌خاطر خواهند بود.<sup>۵</sup>

امضای این نوشته «وحید زاده نسیم دستگردی» است.

از آن پس «مقدمه» آغاز می‌شود که نوشته شادروان عباس اقبال است. این مقدمه درست همان مطالبی است که مرحوم اقبال در مجله یادگار درباره احوال عید مرقوم داشته بود. در پایان این مقدمه فقط یک برگ زیر عنوان «کیفیت طبع کتاب» آمده و شادروان اقبال گوید که من دو نسخه ناقص از آن در تصرف داشتم و بر اثر تشویق آقای وحید با وجود گرفتار بودن «قصاید و غزلیات را مطابق ضبط همان دو نسخه چاپ کردیم.»

اما نسخه‌ها:

اولی ملک خود نگارنده است، نسخه‌ای است بالنسبه قدیتر و در ۱۰۳۷ نوشته شده اما هم ناقص است و هم مغلوط. نسخه ثانی که کاملتر است تعلق دارد به... آقای سعید نفیسی که آن را خود ایشان از روی چند نسخه در سال ۱۳۳۵ هجری قمری جمع آوری و به خط دست خود نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

پس از چاپ قصاید و غزلیات:

تصادفاً سه نسخه دیگر از کلیات عید... به دست آمد. یکی نسخه ثانی ملکی نگارنده که... به امانت بود و... رسید. دیگر نسخه ناقصی از این کلیات، ملکی آقای نخبوانی... که... از تبریز فرستاده‌اند. نسخه سوم... متعلق است به جناب آقای محسن امینی (امین الدوله)... این نسخه مورخ است به تاریخ ۱۵۹ و به خط محمد قوام کاتب شیرازی است... چون پاره‌ای از اوراق آن مفقود شده بود به خط کاتب دیگری... به کلی جدیدالمنه... اوراق دیگری به جای آنها گذاشته شده است. در این چاپ تا اول حرف (ی) در غزلیات اشعار از روی همان دو نسخه اولی به طبع رسیده ولی از آن به بعد مطابق هر پنج نسخه نواقص دو نسخه اولی را هم بعد تحت عنوان «تکمیل قصاید و غزلیات» مکمل ساخته‌ایم.<sup>۲</sup>

اما در دیوان نه کوچکترین نشانی از به دست دادن نسخه بدل دیده می‌شود و نه مبحث «تکمیل قصاید و غزلیات» در هیچ جای آن به نظر می‌رسد. این مقدمات موجب آن می‌شود که خواننده اگر اندکی اهل تحقیق و دقت باشد به کلی از نسخه چاپی (لااقل از بخش جدی آن) سلب اعتماد کند. درباره بخش هزل نیز از این پس سخن می‌گوییم.

بخش هزل آن نیز از منتخب اللطائف عید که به نوشته شادروان مینوی «به اهتمام میرزا حبیب اصفهانی و مسیو فرته Ferte عضو سفارت فرانسه در استانبول به سال ۱۳۰۳ هجری (قمری) چاپ شد و در واقع شامل کلیه لطائف اوست نه منتخب آنها...»<sup>۳</sup> گرفته شده و در بسیاری از چاپها عین نسخه فرته در پایان کلیات به طریقه افست طبع شده است. البته منتخب اللطائف فرته از «موش و گربه» خالی بوده اما آن را در دیوان چاپی آورده‌اند.

نسخه چاپ فرته هم بر هیچ سند و مدرک متقنی متکی نیست و مصححان و ناشران در باب مراجعی که این کتاب را از آن فراهم آورده‌اند هیچ نگفته‌اند. علاوه بر آن

مطالبی که قطعاً متعلق به عید نیست مانند حکایت‌های اضافی عربی و فارسی رساله دلگشا در نسخه چاپی و مطلبی که «از کتب افرنجیه نقل شده» و تعریفات ملا دویبازه نیز در آن راه یافته است.

علاوه بر چاپ‌های متعدد دیوان عید که به نفقه کتاب فروشی اقبال انتشار می‌یافت، آقای پرویز اتابکی نیز نسخه‌ای دیگر از کلیات عید به سرمایه کتاب فروشی زوار انتشار داده‌اند.

آقای اتابکی در تدوین این نسخه زحمت بسیار کشیده، حکایت‌های عربی رساله دلگشا را به فارسی برگردانده بین‌های عربی و آیات و احادیث را ترجمه کرده، و با فحوصی دقیق منشأ بسیاری از لطائف عید را نشان داده و باز نموده‌اند که بیشتر این لطائف را در آثار ادیبان و شاعران سلف، از فارسی زبانان مانند سعدی و انوری و مولانا جلال‌الدین و غیرهم و کتاب‌های محاضرات و لطائف ادبی عرب می‌توان یافت و کوشش ایشان با آن که ممکن است بعضی لغزش‌های کوچک نیز در آن راه یافته باشد شایان تقدیر است و کار کدام آدمیزاده‌ایست که از خطا و خلل خالی باشد.

اما آقای اتابکی نیز به هیچ روی در عرصه اظهار نظر در باب صحت و سقم یا اصالت انتساب اثری به عید زاکانی یا خلاف آن، و نیز مطالعه در سقطها و تحریفها و افتادگیها یا افزودگیها به دیوان وی، گامی نتهاده‌اند و از نظر درستی یا نادرستی متن، چاپ ایشان نیز در ردیف چاپ‌های دیگر است.

با این حال، و با آن که هیچ‌گونه اعتمادی به نسخه چاپی نداشتیم، هیچ‌گاه در کار مقابله آن را از نظر نیفکندیم و نه تنها یک غزل جدی و یک رباعی و یک قطعه تضمینی هزل را که منحصراً در این نسخه آمده در متن وارد کردیم، بلکه تمام قسمتهایی را که تردیدی در الحاقی بودن آنها نداشتیم (و چندان زیاد نیز نبود) مانند دیگر قسمتها و رساله‌هایی که به نظر ما مشکوک و الحاقی می‌رسد و در نسخه‌های خطی گوناگون به عید نسبت داده شده در بخش ملحقات آوردیم تا این نسخه هیچ‌گونه افتادگی و نقصی در مورد آثاری که به درست یا غلط به عید نسبت داده شده نداشته باشد و البته در هر یک از این گونه موارد نظر صریح روشن و دلایل خود را درباره مشکوک یا الحاقی بودن آن بخش در مقدمه یاد می‌کنیم.

\*\*\*

هنوز نسخه‌های دست نویس بسیار از کلیات عید یا بخشی از آثار او هست و ای بسا که بعضی از آنها از آنچه تاکنون به دست آورده و از آن استفاده کرده‌ایم با ارزش‌تر

باشد.

برای مثال شادروان مینوی از نسخه‌ای با این عبارت‌ها یاد می‌کند:  
در کتب‌خانه مرحوم ذکاءالملک فروغی نسخه بسیار قدیمی از دیوان و کلیات عیید زاکانی بود با المعجم در یک مجلد که اندکی پس از وفات عیید زاکانی (ظاهراً در ۷۷۲ درگذشت) و در زمان حیات خواجه حافظ کتابت شده است...<sup>۳</sup>

این نسخه را بیشتر اهل فضل و تحقیق و از جمله استاد جلیل فاضل بنده شادروان سید محمد تقی مدرس رضوی دیده بودند. مرحوم مدرس با بخش المعجم آن کار داشته و از آن در تصحیح متن المعجم سود جسته است. استاد در معرفی این نسخه چنین می‌نویسد:  
نسخه ذ - نسخه‌ای است به قطع کوچک هشت صفحه‌ای با خط نسخ قدیمی و کاغذ زرد رنگ متعلق به کتابخانه شادروان مرحوم ذکاءالملک فروغی طاب‌ثراه به ضمیمه اشعار عیید زاکانی و قصیده مصنوع سلمان ساوجی که به خط عمادالدین عبدالرحمان بن فقیه در اواخر قرن هشتم نوشته شده است... جزء اول آن بدین عبارت ختم می‌شود: تم القسم العروض... فی جمادی الاول (کذا) لسنة خمس و سبعین و سبع مائه... و جزء دومش چنین تمام می‌شود: تم الجزء الثانی... علی یدالعبد عمادالدین عبدالرحمان بن فقیه عبدالله الملقب بابن فقیه التستری فی یوم الجمعة خامس رمضان سنة احدى وثمانین و سبع مائه بمدينة السلام بغداد...<sup>۴</sup>

این نسخه اهمیت بسیار دارد چه جدیدترین تاریخی که استاد مدرس از آن یاد کرده سال ۷۸۱ هـ. ق. است. ممکن است کاتب اشعار عیید را در تاریخی متأخرتر نوشته باشد. اما با تصریح مرحوم مینوی که نسخه در زمان حیات خواجه حافظ کتابت شده است به هر روی نمی‌تواند تاریخ تحریر آن متأخر بر ۷۹۱ یا ۷۹۲ که سال وفات خواجه است باشد و به تحقیق تنها نسخه‌ای است از آثار عیید که از قرن هشتم باقی مانده و به دست ما رسیده است.

اما با اشاره‌ای که استاد مدرس رضوی به کوچک بودن قطع نسخه فرموده و افزوده‌اند که المعجم «به ضمیمه اشعار عیید زاکانی» است گویا به خلاف آنچه شادروان مینوی مرقوم داشته نمی‌بایست کلیات آثار عیید بوده باشد و داوری قطعی در این باب موقوف به معاینه نسخه است.

بنده در این دور دست، از فرزند بازمانده مرحوم ذکاءالملک، شادروان محمود فروغی

که خود نیز نمونه کامل ادب و دانش و علاقه بی پایان به فرهنگ ایران بود در باب این نسخه استفسار کرد. ایشان فرمودند «کتابهای مرحوم ذکاءالملک همه به کتابخانه مجلس (شورای ملی سابق) داده شده و آنچه کتاب در این جا در کتابخانه من هست هیچ یک از کتابهای آن شادروان نیست.»

از کتابخانه مجلس شورای ملی سابق نیز مع‌الواسطه پرسشی شد، گفتند چنین نسخه‌ای در این جا وجود ندارد. در هر حال خدا کند که در جریان آشوبها و بی‌ثربتیبهای ناشی از انقلاب این نسخه مانند بسیاری از نفائس یگانه مملکت از میان نرفته باشد و اگر نسخه موجود باشد سرانجام کسی بدان راه خواهد جست.

وجود این نسخه چه حاوی کلیات عید باشد و چه بخشی از آن را در بر داشته باشد قدیمترین دستنویس عید است و باید در تصحیح دیوان او مورد استفاده قرار گیرد. — یکی دیگر از دستنویسهای قابل ملاحظه عید نیز بدین شرح توسط شادروان مینوی معرفی شده است:

کلیات عید در لالا اسماعیل به شماره ۵۷۲ که اصل آن نسخه کهنه‌ای است و اوراق جدیدی به جای اوراق گمشده آن در ۱۰۷۷ هجری افزوده‌اند (اوراق ۱ و ۲ و ۴۸ تا ۶۳ و ۱۶۹ و ۱۸۰) و مشتمل است بر مدایح سلطان اویس و جلال‌الدین شاه شجاع و شیخ ابواسحاق (مبالتی از اشعار در حاشیه‌ها نوشته شده) و سپس مثنوی مدیحه و چندین قصیده و غزل مدیحه. آن گاه غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترجیعات جد و هزل و تضمینات و عشاق‌نامه (که در ۷۵۱ سروده) و نوادرالامثال به عربی نظم و نثر (همه از دیگران) و کتاب ده فصل در تعریفات و اخلاق الاشراف و رساله دلگشا (باب اول به عربی و باب دوم به فارسی همه حکایات) و فال‌نامه و رساله ریش و صد پند، دارای ۱۸۸ ورق به قطع خشتی و خط نسخ خوب.<sup>۲</sup>

این نسخه نیز از دو جهت اهمیت دارد. یکی آن که رساله نوادرالامثال در آن وجود دارد و نسخه‌های این رساله کمیاب و مغلوط و ناقص است (گو این که عید فقط مطالب آن را از کتب دیگران نقل کرده) و در تصحیح این رساله به کار می‌آید؛ دوم این که نسخه‌ای است نسبتاً قدیمی (شادروان مینوی حتی به حدس نیز قدمت آن را تعیین نکرده) که فال‌نامه (معلوم نیست کدام فال و چند فال‌نامه) در آن وجود دارد. با آن که مرحوم مینوی تصریح می‌کند که از این نسخه برای کتابخانه مرکزی دانشگاه عکس گرفته است، اما آن نسخه نیز به دست بنده نرسید و امیدوارم از راهی دیگر بدان دست یابم.



\*\*\*

دستنویس بخشی از آثار عیید (مانند اخلاق الاشراف - رساله دلگشا، عشاق نامه و مانند آن) در کتابخانه‌های عمومی دنیا بسیار زیاد است و با یاد کردن آنها می‌توان صفحات متعدد دیگر بر این سیاهه افزود. اما این کار نه مفید است و نه لازم. تنها برای آن که یکی دو نمونه دیگر از آنچه در کتابخانه‌ها و نزد اشخاص نگاهداری می‌شود به دست دهیم به یاد کردن دو سه مورد اکتفا می‌کنیم:

— شادروان مینوی می‌نویسد: «خود بنده نیز نسخه‌ای از کلیات او دارم که بدک نیست و بالتسبه قدیم است...»

— نیز: «خوش طبعیهای عیید زاکانی و یاران دیگر در نسخه‌ای از همان کتابخانه (موزه بریتانیا) به نشان و شماره Add.7666 ورق ۳۶۹ ب و مابعد.

— «در کاتالوگ کتابخانه اوده ص ۱۸ و ۵۲۷، و فهرست لایپزیگ ص ۵۳۷ د فهرست نسخ فارسی برلن ص ۲۸... نیز نسخی از دیوان عیید آمده و از احوال او چیزی یاد شده است.»<sup>۲</sup>

— در فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان تألیف احمد منزوی: ۴۱۷/۷ آمده است: دیوان: لاهور محمد شفیع ۱۳۵/۱۵۹ - نستعلیق، خیرات الله - ۱۲ رمضان ۱۲۴۷ هـ

(۱۸۳۲). آغاز: ای خط و خال خوشت مایه سودای ما... - ۳۷ برگ. ۵.

— آقای فرانسیس ریشار نوشته‌اند: یک نسخه دیگر در پاریس در

مجموعه Supplement Persan 1659 (برگهای ۸۲ ب - ۱۰۵) وجود دارد.

— نسخه عثمانی حدود سالهای ۹۵۰ - ۱۰۵۰ (بی تاریخ - بی جا - بی اسم کاتب)

رجوع شود به فهرست بلوشه، ج ۲ - شماره ۱۰۵۰.

دانشگاه کالیفرنیا، برکلی

### یادداشتها و توضیحات بخش اول و دوم:

آقای ایرج افشار مقاله‌ای جامع در معرفی دستنویس تاجیکستان (ت) در ذیل چهل عنوان نوشته و برای چاپ به ایران شناسی فرستاده‌اند. آنچه در مقاله معرفی دست نویسهای آثار عیید زاکانی (۱) «در معرفی نسخه تاجیکستان آمده است، از سطر چهاردهم صفحه ۱۴۱ تا سطر اول صفحه ۱۴۲ به نقل از مقاله آقای ایرج افشار است (عنوان ۳۰ تا ۳۱). این مقاله در یکی از شماره‌های آینده مجله ایران شناسی چاپ خواهد شد.

۱ - ممکن است اندیشیدن درباره توجسی که اروپائیان به حفظ و نگهداری گنجینه‌های خود دارند، برای ما نیز

عبرت انگیز و آموزنده باشد!

۲ - عنوان رساله دکتری ایشان چنین است: The Comic Works of 'Ubayd-i Zakani: A Study of Medieval Persian Bawdy, Verbal Aggression, and Satire.

شم

بن  
خانه

هیچ

بنین

ها و

میان

باشد

روان

ت و

ایق ۱

س و

نیه‌ها

نگاه

نام

(ن و

دل به

پند،

وجود

طالب

بن که

کرده)

برحوم

گرفته

بیم.

- ۳ - مجله یمن، شماره نهم، سال دهم (شماره مسلسل ۱۱۳) آذرماه سال ۱۳۳۶ خورشیدی، صص ۴۰۱ - ۴۱۶.
- ۴ - ظاهراً: که گیتی سپنج است و جاوید نیست / فری برتر از فرّ جمشید نیست.
- ۵ - کلیات عید زاکانی، چاپ اقبال، بی تاریخ، مقدمه صص ب.
- ۶ - همان منبع، مقدمه صص: ث - خ.
- ۷ - المعجم، به تصحیح مدرس رضوی، ناشر کتابفروشی تهران در تبریز، چاپ افست رشدیّه، بی تاریخ، از روی چاپ تهران ۱۳۰۸ ه.ش. مقدمه صص کب - که.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی